



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۱/۱۰/۰۸

محمد مُجق

## در باره اسلام سیاسی



محمد مُجق

اسلام سیاسی به جریان‌هایی گفته می‌شود که قصد فعالیت سیاسی و رسیدن به قدرت را دارند اما ابزاری که برای این هدف انتخاب کرده‌اند اسلام است. یعنی از دین به مثابه نردبانی کار می‌گیرند که با بالا شدن بر آن به بام قدرت دنیوی نزدیک می‌شوند.

دین‌داری اسلام سیاسی در تقابل و تضاد با دین‌داری عرفانی و معنوی قرار دارد که انسان را از دغدغه‌های مادی و کشش‌های دنیوی رهایی می‌بخشد و به دغدغه‌های وجودی و اگزیستنسیل راه می‌نماید و خدا و آخرت را در کانون توجه مومنان قرار می‌دهد.

اسلام سیاسی مرکزیت توجه و درگیری‌های ذهنی مومنان را از آخرت به دنیا، و از خدا به قدرت سیاسی، معطوف می‌کند و ذهن و ضمیر آنان را با درگیری‌های سیاسی و نزاع‌های روزمره این جهانی انباشته می‌گرداند، همان کاری که همه احزاب سیاسی دیگر می‌کنند، اما این جریان به آن رنگ و لعاب دینی می‌دهد.

نزدیک به یک قرن است که جریان اسلام سیاسی صدایی رساتر از دیگر جریان‌ها دارد، به ویژه پس از واپس نشستن جریان چپ و سپر انداختن آن در مقابل رقبای دیرینه. اسلام سیاسی از نیمه دوم قرن بیستم، بر خلاف دعوا و تنش ظاهری و نمایشی، حمایت جدی اردوگاه غرب را داشته است و این یکی از عوامل رسایی آواز آن بوده است. این جریان در ایران، و سودان بخت رسیدن به قدرت، و در بسیاری دیگر از کشور های اسلامی، به ویژه پاکستان، سعودی، قطر، کویت، امارات متحده عربی و... بخت پشتیبانی حکومت‌ها را داشته است، (هرچند در سه چهار سال اخیر سعودی و امارات تا حدودی از این رویکرد فاصله گرفته‌اند). علاوه بر صد ها میلیارد دلاری که این کشورها در خلال نیم قرن گذشته صرف حمایت از ترویج اندیشه‌های آن کردند، کشور های اروپایی و امریکا مرکز فعالیت گسترده هواداران این جریان بوده و سازمان های استخباراتی شان با تمام آگاهی از برنامه های آنان، به خصوص اخوان و حزب تحریر، رهبران تبعیدی شان را پناه داده، مراکز فعالیت شان را آزاد گذاشته، و به برخی از پروژه های شان کمک مالی کرده‌اند.

نتیجه کار این جریان‌ها در کشورهای مسلمان افزایش شمار مساجد و فزونی گرفتن حجم ریش و مساحت حجاب در این جوامع بوده است، و این را در مقایسه‌ای، حتی گذرا، میان عکس‌ها و فیلم‌های به جا مانده از نیم قرن پیش با اکنون، به سادگی می‌توان دریافت. اما به همان پیمانه که ظواهر و مظاهر دین‌داری در این جوامع افزایش یافته و مسایل نمایشی شریعت پررنگ شده است، به همان پیمانه دین‌داری معنوی رو به کاهش بوده و دوری از خدا و آخرت عمومیت یافته است. پارامترهایی که این دگرگونی وارونه را به نمایش می‌گذارد اخلاق است، زیرا پیامبر اسلام به صراحت گفته است که مقصد نهایی از بعثت وی به اتمام رساندن مکارم/فضایل اخلاق است، و ما می‌بینیم که دینداری ظاهرگرایانه مورد توجه اسلام سیاسی نه تنها کمکی به ترویج اخلاق در این جوامع نکرده بلکه اخلاق‌گریزی را نهادینه کرده است. امروزه جوامع مسلمان، علی‌رغم فزونی گرفتن سرسام‌آور مدارس دینی و مساجد و ریش و حجاب، دروغ‌گوترین، دو روی ترین، و ریاکارترین جوامع دنیا هستند، و میزان دخالت در حریم خصوصی دیگران، سوء ظن، غیبت، کینه، بدبینی، عُجب، خودستایی، حسادت، بخل، کارشکنی، فریبکاری، عیش، تقلب، سیاه‌کاری، و مانند این‌ها، در مقایسه با دیگر کشورهای جهان به مراتب بیشتر و غلیظتر است. این را وقتی بهتر می‌توانیم دریابیم که این جوامع را با کشورهایهایی مانند جاپان، جرمنی، کانادا، استرالیا، چین و... مقایسه کنیم.

وضعیت کنونی ما محصول طبیعی رویکردی است که در پیش گرفته‌ایم. امکان ندارد هیچ جامعه‌ای با سقوط اخلاقی و فرو رفتن در باتلاق رذایلی که نام گرفته شد روی خوشی و سعادت را ببیند و به فوز و فلاحی برسد.

د پانوی شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دلېکنې دلېکنيزې بنې پاڼوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

رویکردی که همه چیز را به شکل ریاکارانه‌ای به دین گره زده و دین‌داری را از اخلاق و معنویت تهی کرده و آن را با حرص و آز بر سر قدرت و ثروت انباشته است، فرجامی جز تباهی و تبه‌کاری نخواهد داشت. پیدایش طالبان و داعش رویدادی اتفاقی و غیر منتظره نیست، بلکه این هندوانه ابوجهل محصول مستقیم مزرعه‌ای است که اربابان اسلام سیاسی زمین آن را شخم زده و از دهه‌ها به این سو آبیاری کرده‌اند.

این را برای ادای دین اخروی می‌گوییم، تا گردن خود را از مسئولیت خلاص کرده باشیم، تا روزی که ما خود را از دست اسلام سیاسی رهایی نباشیم و جلو ابزار شدن دین در منازعات سیاسی را نگیریم نه دنیای ما به سامان خواهد شد و نه آخرت ما. این مفهوم را چندین سال قبل نیز در مقاله‌ای با عنوان “اسلام سیاسی، تامین دنیا یا تضمین آخرت” شرح داده بودم که بعداً در کتاب چشم‌ها را باید شست به نشر رسید. دین‌داری عارفانه معطوف به اخلاق و معنویت اگر با دانش‌های امروزی همراه شود، می‌تواند به بخشی از نیازهای بنیادی ما، به ویژه در جامعه‌ای مانند افغانستان، پاسخ بدهد و ما را از ستیزمگری‌ها و منازعه‌جویی‌های اسلامگرایان سیاسی آسوده‌خاطر کند.